

فریدریش اونگر، هانس یورگ اشمیت

مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی

(ویراست دوم)

ترجمه‌ی

جهانشاه میرزاییگی



فهرست

۷	پیش‌گفتار ویراستِ دوم
۹	مقدمه
۱۷	فصل یکم: پیش‌نمونه‌ها و مقوله‌ها
۹۳	فصل دوم: سطوح مقوله‌بندی
۱۵۷	فصل سوم: استعاره‌ها و کنایه‌های مفهومی
۲۱۹	فصل چهارم: شکل و زمینه
۲۷۳	فصل پنجم: چارچوب‌ها و ساخت‌ها
۳۳۷	فصل ششم: آمیزه‌ها و ربط
۳۹۱	فصل هفتم: دیگر موضوع‌ها در زبان‌شناسی شناختی
۴۴۹	نتیجه
۴۵۵	کتاب‌نامه

پیش‌گفتارِ ویراستِ دوم

این ویراستِ جدید چیزی بیش‌تر از یک روزآمدِ عادیِ اطلاعات و ارجاع‌های کتاب است. ما در پاسخ به تحولاتِ اخیر در زبان‌شناسی شناختی تغییراتِ عمده‌ای ایجاد کرده و مباحثِ جدیدی را معرفی کرده‌ایم که تعدادِ فصل‌ها را از شش به هفت افزایش داده است.

مبحثِ مقوله‌بندی مفهومی خیلی تغییر کرده و در ارتباط با تک‌تکِ مقوله‌ها، مفهومِ بافت-وابستگی تقویت شده است. اکنون ارائه‌ی مدل‌های شناختی و سلسله‌مراتبِ شناختی بر اهمیتِ رابطه‌های جزء-کل، در تقابل با نوع-رابطه‌ها، بیش‌تر تأکید می‌گذارد.

فصلِ سوم، اکنون، بر اساسِ مفهومِ «دامنه‌ی نگاشت»^۱، توصیفِ خلاقانه‌ای از نقشِ استعاره و کنایه ارائه می‌دهد. عموماً به کنایه، برای دربرگیری پژوهش‌های اخیر بر جستگی بیش‌تری داده شده است؛ بخشِ مربوط به «استعاره به مثابه یک شیوه‌ی اندیشه» با یک بخشِ جدید به نام «تفکر در قالبِ کنایه» کامل شده است.

در حالی که فصلِ ۵ شامل بخشی به نام «دستور ساخت» است، یک فصلِ جدید (فصلِ ۶) اضافه شده است که نظریه‌ی آمیزه را به عنوانِ یک استراتژی پردازشِ برخط با دقت معرفی می‌کند. این فصل تحلیل‌های مفصلی از پدیده‌های دستوری و واژگانی، از جمله تبلیغات، معماها، و جوک‌ها را شامل می‌شود. بخشِ آخرِ این

فصل به «نظریه‌ی ربط» نگاهی می‌اندازد، و توانایی آن در تحلیل رویکردهای شناختی را موردِ کاوش قرار می‌دهد.

فصل آخر از لحاظ حجم تقریباً دوبرابر شده است، چون دو تا از چهار بخش آن، یعنی بخش‌های مربوط به تصویرگونگی و زبان‌شناسی شناختی در یادگیری زبان‌های خارجی، به شدت بسط یافته‌اند و اکنون شامل مطالب جدید فراوان و ایده‌های اصیل هستند.

نتیجه‌ی ویراست اول به صورت بخشی به نام «جهان‌بینی» در آمده است که برخی از تلاش‌های جاری برای قراردادن نظریه‌پردازی زبان بر پایه‌های ایمن‌تر روان‌شناختی و عصب‌شناختی را می‌کاود.

فد اونگر و ه. ی. اشمیت
روستوک و مونیخ، تابستان ۲۰۰۶

مقدمه

اگر کسی به شما بگوید «ماشین‌ام خراب شده»، واکنش شما ممکن است خیلی ساده این باشد که «متأسفم». اما همین جمله‌ی ساده برای یک زبان‌شناس مستلزم تبیینی کاملاً مفصل است. تا آن‌جا که به معنا و دستور جمله مربوط می‌شود، توصیف سنتی تلاش می‌کند که معنای واژه‌های به کار رفته را بازگویی یا تعبیر کند؛ این دستور الگوی بند (در این‌جا ترکیب ساده‌ی فاعل و فعل یا گزاره) را تحلیل می‌کند، و احتمالاً در ادامه کاربرد زمان حال ساده را هم مورد بحث قرار می‌دهد.

رویکرد دیگر این است که از کاربران زبان پرسیده شود که وقتی واژه‌ها و جمله‌ها را تولید می‌کنند و می‌فهمند، چه چیزی از ذهن آن‌ها می‌گذرد یا در آن جریان دارد. آن‌گونه که آزمایش‌ها نشان می‌دهند، مردم نه تنها خواهند گفت که اتومبیل یک شکل جعبه - گونه دارد که دارای چرخ، در، و پنجره است، توسط موتور به حرکت در می‌آید، و مجهز به فرمان و پدال گاز و ترمز است، و دارای صندلی برای نشستن راننده و مسافران است، بلکه به احتمال زیاد هم چنین خواهند گفت که اتومبیل راحت و سریع است، که تحرک اجتماعی، استقلال، و شاید پایگاه اجتماعی را نیز به همراه دارد. برخی ممکن است مفهوم اتومبیل را به اولین رابطه‌ی عاشقانه، یا اولین آسیب، اگر تصادف کرده باشند، وصل کنند.

مردم، با افزودن این صفت‌ها، تداعی‌ها و تأثیراتی را وارد می‌کنند که بخشی از